

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۰۱/۱۸

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۰۲/۲۲

فصل نامه علمی - پژوهشی مشرق موعود

سال دهم، شماره ۳۸، تابستان ۱۳۹۵

سوء استفاده فرقه‌های غالی از احادیث نبوی در باب مهدویت

یدالله حاجی‌زاده^۱

چکیده

واکاوی تأثیرات سخنان رسول خدا ﷺ و امامان شیعه علیهم‌السلام درباره حضرت مهدی علیه‌السلام در جامعه و سوء استفاده‌ای که از این پیشگویی‌ها در طول تاریخ اسلام شده، از اهمیت خاصی برخوردار است. این امر می‌تواند موجبات هوشیاری هرچه بیشتر مسلمانان را سبب شود و از فریب خوردن آنان و فرو افتادن ایشان در دام مدعیان مهدویت و غالیان جلوگیری کند. بررسی منابع تاریخی، حدیثی و فرقه‌شناسی نشان می‌دهد در عصر امامان علیهم‌السلام برخی از فرقه‌های غالی با سوء استفاده از سخنان رسول خدا ﷺ و امامان معصوم علیهم‌السلام، ضمن معرفی خویش و یا رهبران منحرفشان به عنوان مهدی، موجبات شکل‌گیری و یا تقویت برخی از نحله‌های فکری غالیانه را سبب شده‌اند. در این نوشتار به معرفی این نحله‌های انحرافی که شامل سبائیه، کیسانیه، هاشمیه، مغیریه، بیانیه، منصوریه، باقریه، حریبه، جناحیه و ناووسیه هستند پرداخته شده و تلاش شده این نظریه اثبات شود که این نحله‌های انحرافی در اثبات مهدویت و غیبت رهبران خویش، از پیشگویی‌های پیامبر اکرم ﷺ و امامان معصوم علیهم‌السلام سوء استفاده کرده‌اند و به تقویت باورهای انحرافی و غالیانه خویش پرداخته‌اند.

واژگان کلیدی

پیامبر اکرم ﷺ، حضرت مهدی علیه‌السلام، امامان علیهم‌السلام، غالیان، پیشگویی، مهدویت، غیبت.

۱. استادیار پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی قم (hajjizadeh@yahoo.com).

مقدمه

باور مهدویت و ظهور منجی آخرالزمان یکی از مسلمات مذاهب اسلامی و برخی از مذاهب غیر اسلامی است. در دین اسلام رسول خدا ﷺ و امامان شیعه علیهم السلام در احادیث متعددی به ویژگی‌های حضرت مهدی علیهم السلام، غیبت آن حضرت و ظهور مجدد ایشان پس از گسترش ظلم و ستم در جامعه بشری اشاره کرده‌اند. این پیشگویی‌ها در مواردی سبب سوء استفاده برخی از منحرفان در راستای شکل دهی و یا تقویت باورهای انحرافی خویش بوده است. سوالی که در این جا مطرح است این است که نقش پیشگویی‌های رسول اکرم ﷺ و امامان علیهم السلام در شکل گیری و یا تقویت جریان‌های غالبانه چه بوده است؟ در پاسخ به این پرسش و به عنوان فرضیه باید گفت: غالبان به عنوان یکی از فرقه‌های منحرف و تاثیرگذار، با سوء استفاده از سخنان پیامبر اکرم ﷺ و سایر پیشوایان دینی، سعی کرده‌اند باورهای انحرافی خویش را تقویت کنند و موجبات انحراف دیگران را فراهم سازند. نوشتار حاضر در صدد است ضمن اشاره کوتاهی به پیشگویی‌های پیامبر اکرم ﷺ و امامان علیهم السلام به معرفی غالبانی پردازد که احیاناً با سوء استفاده از پیشگویی‌های پیشوایان دینی سعی در موجه جلوه دادن باورهای انحرافی و غالبانه خویش داشته‌اند.

درباره پیشینه این موضوع باید گفت هر چند درباره پیشگویی‌ها و روایات پیامبر اکرم ﷺ و امامان علیهم السلام در بسیاری از کتاب‌های مرتبط با مهدویت و در مقالات مطالب زیادی وجود دارد^۱ اما هیچ یک از محققان درباره تاثیر این پیشگویی‌ها در شکل گیری و احیاناً تقویت جریان‌های غالبانه در عصر ائمه علیهم السلام مقاله و نوشته مستقلی ارائه نکرده‌اند. تنها در برخی از منابع همانند «تحلیل تاریخی نشانه‌های ظهور»^۲ و «اوضاع سیاسی، اجتماعی و فرهنگی شیعه در غیبت صغری»^۳ به طور کلی و خلاصه به ذکر فرقه‌ها و افرادی پرداخته شده که در دوران حضور ائمه علیهم السلام برای خویش و یا رهبران‌شان مدعی مهدویت شده‌اند که برخی از آنان همانند سبائیه و مغیریه در زمره غلات نیز به حساب می‌آیند.

مفهوم شناسی غلو

غلو از ماده «غ ل و» بروزن فُعُول، مصدر غلی یغلو، در لغت به معنای ارتفاع، افراط، بالا رفتن

۱ در این باره رک: حسن زاده، صالح، قیام امام مهدی در قرآن و اخبار، فصلنامه زبان و ادب، زمستان ۱۳۷۷، شماره ۶، ص ۶۷-۸۸ و غلام محمد، فخرالدین، حضرت مهدی در روایات معتبر فریقین (حدیث اثنی عشر و نسب شناسی مهدوی)، اندیشه تقریب، تابستان ۱۳۸۹، شماره ۲۳، ص ۱۷-۴۰

۲ ذیل عنوان: «مهدویت در شیعه» رک: صادقی، تحلیل تاریخی نشانه‌های ظهور، ص ۷۲-۷۵

۳ ذیل عنوان: «اندیشه غیبت در فرقه‌های شیعی و اسلامی» رک: حسین زاده شانه چی، اوضاع سیاسی، اجتماعی و فرهنگی شیعه در غیبت صغری، ص ۳۰-۳۳

و تجاوز از حد و مقدار و زیاده گویی و زیاده انگاری است.^۱ در تعریف اصطلاحی غلو هر چند اتفاق نظر وجود ندارد، اما عمدتاً این واژه در مورد کسانی به کار می‌رود که پیامبران، امامان و رهبران خویش را از حدود بندگان و آفریدگانی الهی فراتر برده و آنان را «خدا» و یا متصف به «صفات خدایی» دانسته‌اند.^۲

روایات مهدویت

از همان صدر اسلام و از زبان رسول خدا ﷺ و امامان علیا روایات زیادی درباره حضرت مهدی علیه السلام نقل شده است. این روایات به طور گسترده در میان مسلمانان منتشر شده و به حد تواتر رسیده است.^۳ علائم زیادی وجود دارد که نشان می‌دهد در عصر حضور امامان علیا و در میان شیعیان احادیث مهدویت کاملاً شایع بوده است. به گونه ای که در همین زمان شاهد تالیفاتی از برخی از اصحاب ائمه علیهم السلام و محدثان شیعی در این باره هستیم. ابراهیم بن صالح انماطی، حسن بن محمد بن سماعه، علی بن حسن بن محمد طاهری، محمد بن حسن بن جمهور، علی بن مهزیار، حسن بن علی بن حمزه بطائنی و فضل بن شاذان از جمله این محدثان هستند.^۴

در قرون دوم و سوم نیز احادیث مهدویت در منابع شیعه و اهل سنت گردآوری شدند که برخی از این منابع باقی مانده‌اند. میزان این احادیث به گونه ای است که براساس نقل برخی از محققان، ۱۷ نفر از دانشمندان بزرگ اهل سنت به متواتر بودن این احادیث در کتاب‌های خویش تصریح کرده‌اند.^۵ دانشمندان شیعه نیز به شیوع و تواتر این احادیث در منابع خویش اشاره کرده‌اند.^۶ نعمانی در الغیبه روایتی را از امام کاظم علیه السلام نقل کرده که آن حضرت در این حدیث - خطاب به علی بن یقطین - به تربیت دویست ساله شیعه با فرهنگ انتظار و آرزو اشاره

۱ زبیدی، تاج العروس، ج ۱۰، ص ۲۶۹؛ فراهیدی، العین، ج ۴، ص ۴۴۶؛ طریحی، مجمع البحرین، ج ۱، ص ۳۱۹؛ ابن منظور، لسان العرب، ج ۱۵، ص ۱۳۱-۱۳۲

۲ در این باره رک: مفید، تصحیح اعتقادات الامامیه، ص ۱۳۱؛ صفری فروشانی، «غلو» دانشنامه امام علی علیه السلام، ج ۳، ص ۳۸۰-۳۸۲

۳ برخی از محققان تعداد روایاتی که از طرق اهل سنت درباره مهدی وارد شده را ۲۰۰ حدیث و تعداد روایات شیعه را ۱۰۰۰ حدیث دانسته‌اند. مکارم شیرازی، حکومت جهانی مهدی، ص ۱۵۱ درباره کتاب‌هایی که این روایات را گردآوری کرده‌اند، به چند کتاب می‌توان اشاره کرد: المهدی: سید صدرالدین صدر، البرهان: سید محسن امین و منتخب الاثر، لطف الله صافی گلپایگانی. همان، ص ۱۵۲

۴ رک: نجاشی، رجال النجاشی، ص ۱۵، ۴۲، ۳۰۷، ۲۵۹، ۳۷، ۲۵۳، ۳۳۷، ۲۵۵ و ۴۱

۵ رک: محرمی، نگرشی تاریخی بر حیات امام زمان علیه السلام، ص ۴۳-۴۵؛ پیشوایی، سیره پیشوایان، ص ۶۹۸؛ حسن زاده، همان، ص ۶۷-۸۸

۶ صدر، تاریخ الغیبه، ج ۲، ص ۲۹۳؛ صافی گلپایگانی، منتخب الاثر، ج ۲، ص ۸

کرده است.^۱

رواج و شیوع این احادیث در میان مسلمانان در مواردی موجبات سوء استفاده برخی از قدرت طلبان^۲ مدعیان مهدویت و منحرفان را فراهم ساخته است.

یکی از گروه‌های منحرفی که از این احادیث سوء استفاده داشته، «غالیان» هستند. این گروه‌های افراطی و منحرف که از روی جهالت، دنیا طلبی و یا عواملی دیگر در دام غلو و باورهای غالیانه افتاده‌اند،^۳ تصورات نادرستی از این احادیث درباره خویش و یا رهبران غالی این دوره داشته و مطرح کرده‌اند. در ادامه به معرفی این نحله‌های انحرافی که در عصر حضور امامان علیهم‌السلام بوده‌اند، می‌پردازیم و تلاش خواهیم کرد بر این فرضیه تاکید کنیم که پیشگویی‌های پیشوایان دینی در مواردی سبب سوء استفاده این نحله‌های انحرافی و تقویت آنان شده است.

سبائیه

از سبائیه به عنوان فرقه منتسب به عبدالله بن سبا در بسیاری از منابع شیعی و اهل سنت که برخی از آنان مقدم بر طبری هم هستند، نام برده شده و به باورهای غالیانه آنها اشاره شده است.^۴ بنابراین در اینکه سبائیه از فرقه‌های غالی به حساب می‌آید، شکی نیست.^۵ در این میان، برخی از منابع، اعتقاد به مهدویت امام علی علیه‌السلام توسط ابن سبا را نقل کرده‌اند. جاحظ (م ۲۵۵) بلاذری (م ۲۷۹) و ابن ابی دنیا (م ۲۸۱) از اولین مورخان هستند که به نام ابن سبا و عقیده غالیانه وی درباره نمردن امام علی علیه‌السلام اشاره کرده‌اند.^۶ ناشی اکبر (م ۲۹۳) نیز به عقیده عبدالله بن سبا مبنی بر زنده بودن و عدم موت امام علی علیه‌السلام تا زمان تسلط کامل بر تمامی عرب خبر داده است.^۷ مقدسی (م ۵۰۷) نیز به عقیده غالیانه ابن سبا درباره نمردن امام

۱ نعمانی، الغیبة للنعمانی، ص ۲۹۵ و طوسی، الغیبة، ۱۴۱، ص ۳۴۱

۲ «القابی که خلفای عباسی از آنها استفاده کردند، به طور غالب، القابی است که در برخی از روایات، به عنوان «القاب مهدی» شناسانده شده است؛ سفاح، منصور، مهدی، هادی، رشید، آمین و مأمون از این دست القاب هستند.» جعفریان، حیات فکری و سیاسی امامان شیعه، ص ۵۷۶ و رک: صادقی، همان، ص ۶۹-۷۰

۳ درباره ریشه‌های تصورات غالیانه و اندیشه‌های افراطی رک: حاجی زاده، یدالله و دیگران، ریشه‌های و علل پیدایش غلو در عصر ائمه علیهم‌السلام، فصلنامه علمی-پژوهشی تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، سال چهارم، پاییز ۱۳۹۲، ش ۱۲، ص ۱۰۹-۱۳۶

۴ ابن سائب کلبی، مثالب العرب، ص ۱۰۵؛ ابن حبیب بغدادی، المحبر، ص ۳۰۸؛ دینوری، المعارف، ص ۶۲۲؛ ابن رسته، الأعلاق النفیسة، ص ۲۱۸؛ ابن عبد ربه اندلسی، العقد الفرید، ج ۲، ص ۲۴۵

۵ هر چند برخی از محققان در وجود این فرقه غالی تشکیک کرده‌اند. در این باره رک: عسکری، الاسطورة السبئیة.

۶ جاحظ، البیان والتبیین، ج ۱، ص ۴۲۹؛ بلاذری، انساب الاشراف، ج ۲، ص ۵۰۳؛ ابن ابی دنیا، مقتل الامام امیر المومنین علی بن ابیطالب، ص ۹۶

۷ ناشی اکبر، مسائل الامامة، ص ۱۸۴.

علی علیه السلام اشاره دارد.^۱ توجه به این منابع نشان می‌دهد ابن سبا با توجه به عدم حضور امام علی علیه السلام در جامعه و احتمالاً با توجه به روایات غیبت مهدی علیه السلام، شهادت امام علی علیه السلام را باور نکرده و عقیده مهدویت آن حضرت را مطرح کرده است.

همین عقیده را برخی از منابع درباره سبائیه به عنوان پیروان عبدالله بن سبا مطرح کرده‌اند. ناشی اکبر (م ۲۹۳) علاوه بر عقیده ابن سبا، به فرقه سبائیه و اعتقاد آنها پس از شهادت علی علیه السلام مبنی بر زنده بودن و عدم موت آن حضرت تا زمان تسلط کامل بر تمامی عرب خبر داده است.^۲ سعد بن عبدالله اشعری قمی (م ۳۰۱) و نوبختی به مذهب سبائیه و باور غالبانه آنها درباره نمردن امام علی علیه السلام و عقایدی دیگر از آنها اشاره دارند.^۳ ابوالحسن اشعری (م ۳۳۰) نیز به فرقه سبائیه و اعتقاد آنها مبنی بر عدم موت علی علیه السلام و بازگشت (رجعت) وی پیش از قیامت و برپایی عدالت در روی زمین اشاره دارد.^۴

علاوه بر اینان برخی از بزرگترین علمای شیعه نیز به باور سبائیان درباره نمردن امام علی علیه السلام اشاره دارند. شیخ مفید (م ۴۱۳) به فرقه سبائیه و اعتقاد آنها مبنی بر عدم موت علی علیه السلام اشاره دارد.^۵ شریف مرتضی (م ۴۳۶) نیز در الفصول المختاره به همین امر اشاره دارد.^۶ شیخ طوسی نیز در الغیبه نیز به مناسبت طرح دیدگاه اعتقادی به امام زمان و جریان‌هایی که مخالف این دیدگاه هستند، به سبائیان اشاره دارد و می‌نویسد: آنها می‌گویند او (علی علیه السلام) نمرده است.^۷ توجه به این نقل‌ها نشان می‌دهد که سبائیه همانند رهبر خویش معتقد به غیبت و مهدویت امام علی علیه السلام بوده‌اند و تقریباً در این نکته شکی نیست که چنین تصویری در میان آنان، ناشی از روایاتی است که پیش از این درباره حضرت مهدی علیه السلام از زبان رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و احیاناً امام علی علیه السلام صادر شده و به غیبت امام مهدی علیه السلام و ظهور او در آینده به منظور عدالت گسترده اشاره دارند.

کیسانیه

کیسانیه به عنوان یکی از مهم‌ترین فرقه‌های اصلی شیعه و به عنوان پیروان مختار بن ابی

۱. مقدسی، البدء و التاريخ، ج ۵، ص ۱۲۹.

۲. ناشی اکبر، مسائل الامامه، ص ۱۸۴.

۳. اشعری قمی، المقالات و الفرق، ص ۲۱؛ نوبختی، فرق الشیعه، ص ۲۳-۲۴.

۴. اشعری، مقالات الاسلامیین، ج ۱، ص ۸۵.

۵. مفید، الفصول العشره فی الغیبه، ص ۱۰۹.

۶. سید مرتضی، الفصول المختاره، ص ۳۱۴.

۷. طوسی، الغیبه، ص ۱۹۲.

عبیده ثقفی،^۱ امامت را از فرزندان فاطمه علیها السلام به محمد بن حنفیه که فرزند علی علیه السلام و از غیر فاطمه علیها السلام بود، منتقل کردند.^۲

اینان که در زمره فرقه‌های غالی قرار دارند،^۳ مدعی امامت و مهدویت محمد بن حنفیه بودند.^۴ و درباره امامت او به سخن امیرالمومنین علیه السلام در جنگ بصره که خطاب به محمد بن حنفیه فرموده بود: «حقا که تو فرزند من هستی»،^۵ استناد می‌کردند. هم چنین او را صاحب پرچم علی علیه السلام می‌دانستند^۶ و دلیل بر مهدویت وی را سخن رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم می‌دانستند که فرموده بود: «روزها و شب‌ها سپری نمی‌شود تا این که خداوند مردی از اهل بیت مرا مبعوث خواهد کرد اسم او اسم من، کنیه‌اش کنیه من و اسم پدرش اسم پدر من است او زمین را از عدل و داد پر خواهد کرد همان گونه که از ظلم و ستم پر شده است.»^۷ آنها به منظور تطبیق مهدی بر محمد بن حنفیه یکی از اسامی امام علی علیه السلام را «عبدالله» می‌دانستند.^۸ عده ای در این زمان معتقد بودند: محمد بن حنفیه، مهدی و وصی علی علیه السلام است، هیچ کس از خاندان او شایسته نیست که با محمد بن حنفیه از در ناسازگاری درآید و از امامت او بیرون شود و بی دستور او شمشیر برکشد زیرا حسن بن علی علیه السلام به فرمان او به جنگ معاویه رفت و به دستور او دست از کارزار کشید. حسین بن علی علیه السلام نیز به دستور او آهنگ نبرد با یزید کرد... و مختار بن ابی عبیده ثقفی را پس از کشته شدن حسین بن علی علیه السلام برعراقین حکومت داد و او را به خون خواهی آن حضرت امر کرد.^۹

از دیگر عقاید منتسب به کیسانیه و مرتبط با مهدویت، به رجعت می‌توان اشاره کرد.^{۱۰}

۱ مفید، الفصول المختارة، ص ۲۹۶ و بغدادی، الفرق بین الفرق، ص ۲۷ و مقدسی، البدء والتاریخ، ج ۵، ص ۱۳۱ و صفری، غالیان، ص ۸۴

۲ رازی، اعتقادات فرق المسلمین و المشرکین، ص ۵۳

۳ رک: حاجی زاده، غالیان و شیوه‌های برخورد امامان معصوم علیهم السلام با ایشان، ص ۱۵۲

۴ مفید، الفصول المختارة، ص ۲۹۶

۵ مفید، الفصول المختارة، ص ۲۹۶؛ طوسی، الغیبه، ص ۱۸

۶ مفید، الفصول المختارة، ص ۲۹۶ و طوسی، الغیبه، ص ۱۸ و نوبختی، فرق الشیعه، ص ۲۳ و بغدادی، الفرق بین الفرق، ص ۲۷ و اشعری قمی، المقالات و الفرق، ص ۲۱

۷ مفید، الفصول المختارة، ص ۲۹۷ مشابه این حدیث در برخی از منابع آمده است. رک: حافظ اصبهانی، ذکر اخبار اصبهان، ج ۲، ص ۱۹۵ برخی از نویسندگان اشاره دارند: عبارت «اسم ایبه اسم ابی» در اصل روایت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نیست. رک: عاملی، الصراط المستقیم، ج ۲، ص ۲۲۳ و قندوزی، ینابیع الموده لذوی القربی، ج ۳، ص ۳۹۴ و در این باره رک: غلام محمد، همان، ص ۳۱

۸ مفید، الفصول المختارة، ص ۲۹۶ مجهول، اخبار الدولة العباسیه، ص ۱۶۵؛ طوسی، الرسائل، ص ۴۶۱

۹ نوبختی، فرق الشیعه، ص ۲۷-۲۶

۱۰ نوبختی، فرق الشیعه، ص ۴۱؛ محمد ابوزهره، تاریخ المذاهب الاسلامیه، ج ۱، ص ۴۸

«کثیرعزه» یکی از شاعران مشهور کیسانی است که با این اعتقاد شناخته شده است.^۱ ابوالفرج اصفهانی پس از اشاره به عقیده رجعت «کثیرعزه» از قول عمر بن عبدالعزیز می‌نویسد: «من افراد خوب و بد بنی هاشم را با دوستی «کثیر» می‌شناسم هر کس از ایشان او را دوست داشت، فاسد، و هر کس او را دشمن داشت، صالح است چون او قائل به رجعت بود.»^۲ این احتمال وجود دارد که مراد از رجعت از نظر کیسانیه همان بازگشت محمد بن حنفیه پس از سپری شدن دوران غیبت باشد که در این صورت با «مهدویت» معنایی مترادف خواهد داشت.^۳

سید حمیری در شعری علت تطبیق مهدی موعود را بر محمد بن حنفیه به جهت وجود روایاتی دانسته که از غیبت مهدی علیه السلام خبر داده‌اند.^۴ بنابراین تقریباً شکی نیست که کیسانیه به عنوان یک فرقه انحرافی و غالیانه، عقیده به غیبت و مهدویت محمد بن حنفیه را برگرفته از روایاتی می‌دانستند که درباره ظهور مهدی علیه السلام به مسلمانان وعده داده شده بود.

هاشمیه

یکی از مهم‌ترین فرقه‌های کیسانیه، هاشمیه است. فرقه‌ای که مرگ محمد بن حنفیه (۸۰ یا ۸۱ هجری) را پذیرفته و قائل به امامت بزرگ‌ترین پسر وی ابوهاشم عبدالله بن محمد بن حنفیه بودند.^۵ هاشمیه در خصوص ابوهاشم غلو کردند و معتقد شدند او می‌تواند مردگان را زنده کند. آنها قائل بودند محمد بن حنفیه اسرار علوم را به ابوهاشم منتقل کرده و او را بر روش‌های تطبیق آفاق بر انفس آگاه کرده است...^۶ ابوهاشم در سال ۹۸^۸ یا ۹۹^۹ هجری درگذشت. گفته شده عده‌ای مرگ او را نپذیرفته و قائل به غیبت و مهدویت وی شدند.^{۱۰}

اعتقاد به غیبت و مهدویت ابوهاشم به عنوان یکی از رهبران فرقه‌ای از کیسانیه، بدون شک ناشی از وجود روایات مهدویت در جامعه اسلامی بوده است. احتمالاً پیروان ابوهاشم در

۱ ابوالفرج اصفهانی، الاغانی، ج ۹، ص ۱۶

۲ ابوالفرج اصفهانی، الاغانی، ج ۹، ص ۱۶

۳ ابن عبدربه اندلسی، العقد الفرید، ج ۲، ص ۲۴۷

۴ طبرسی، اعلام الوری، ص ۵۴۰؛ صدوق، کمال الدین، ج ۱، ص ۳۴-۳۵

۵ نوبختی، فرق الشیعه، ص ۳۰ و اشعری قمی، المقالات و الفرق، ص ۳۸ رازی، اعتقادات فرق المسلمین و المشرکین، ص ۵۵

۶ اشعری قمی، المقالات و الفرق، ص ۳۸

۷ شهرستانی، الملل النحل، ج ۱، ص ۱۷۴، ۱۷۵ و حمیری، الحورالعین، ص ۱۵۹

۸ مسعودی، التنبیه و الاشراف، ص ۲۹۲

۹ ابن اثیر، الکامل، ج ۵، ص ۴۴

۱۰ نوبختی، فرق الشیعه، ص ۳۳-۳۴

پاسخ به علت اتخاذ باور امامت و مهدویت ابوهاشم، عقیده غیبت و مهدویت او را مطرح کردند، باوری که می‌توانست به جهت وجود روایات مهدویت تا حدودی مورد پذیرش دیگران قرار گیرد و یا حداقل هاشمیه را قانع سازد.

مغیره

مغیره بن سعید عجلی به عنوان رهبر این فرقه، از غالیان زمان امام باقر علیه السلام و در واقع از مهم ترین رهبران غالی که نقش مهمی در پیش برد این جریان در این زمان داشته‌اند، بوده است. مغیره در آغاز قائل به امامت امام باقر علیه السلام^۱ و به نقلی از دعوات ایشان بود.^۲ سپس امام را به حد خدایی رساند.^۳ او به امام باقر علیه السلام پیشنهاد کرد که غلو او را بپذیرد تا وی از امام پشتیبانی کند و حکومت امام در عراق مستقر شود، آن گاه مغیره خراج عراق را برای امام جمع آوری کند.^۴ بنا به نقلی، وی سپس نزد ابوهاشم عبدالله بن محمد بن حنفیه رفت و همین پیشنهاد را مطرح کرد که با مخالفت خشونت آمیز ابوهاشم مواجه شد. نهایتاً نزد محمد بن عبدالله بن حسن (م ۱۴۵) رفت، محمد در جواب وی سکوت کرد و مغیره از این سکوت سوء استفاده کرد و قائل به مهدویت وی شد. سپس به کوفه رفت و افراد بسیاری از وی تبعیت کردند.^۵

احتمالاً مطرح کردن مهدویت محمد بن عبدالله بن حسن به عنوان مهدی توسط مغیره بن سعید علاوه بر این که نشانی از تاکید پیشوایان دینی بر مسئله مهدویت است،^۶ به جهت خصوصیات و علائمی بوده که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم درباره مهدی موعود مطرح ساخته بود و برخی از این علائم در وی جمع شده بود. به گونه ای که هم نامی اش با حضرت مهدی علیه السلام و احتمالاً علائمی دیگر، پدرش را نیز متوهم کرده بود که مهدی موعود فرزند اوست.^۷ در این مورد، قطعی بودن جریان مهدویت در میان مسلمانان سبب سوء استفاده مغیره شده و از طرفی همین امر سبب تبعیت افرادی از اهالی کوفه از او شده است.

بیانیه

بیانیه پیروان یکی از مشهورترین سران غلات دوره امام باقر علیه السلام و اوایل امام صادق علیه السلام.

۱ طوسی، اختیار معرفه الرجال، (رجال کشی)، ص ۲۲۵ و ص ۲۲۷-۲۲۸

۲ قاضی نعمان، دعائم الاسلام، ج ۱، ص ۴۹

۳ شهرستانی، الملل و النحل، ج ۱، ص ۲۰۹ و قاضی نعمان مغربی، دعائم الاسلام، ج ۱، ص ۴۹

۴ ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۸، ص ۱۲۱

۵ ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۸، ص ۱۲۱

۶ جعفریان، حیات فکری و سیاسی امامان شیعه، ص ۵۷۶

۷ مفید، الإرشاد، ج ۲، ص ۱۹۱؛ ابوالفرج اصفهانی، مقاتل الطالبیین، ص ۱۸۵

بیان بن سیمان نه‌دی بوده‌اند. بیان بن سیمان به عنوان یکی از پیروان مغیره بن سعید،^۱ ساکن کوفه^۲ بوده است. به این فرد و پیروانش عقاید غالیانه فراوانی نسبت داده شده^۳ بر اساس نقل نوبختی و اشعری قمی بیانیه - به عنوان یک فرقه غالی -^۴ مدعی امامت و مهدویت ابوهاشم بودند. آنان در ادعاهای خویش جهت اثبات مهدویت ابوهاشم، سخن از قائمیت و مهدویت او می‌زدند و می‌گفتند: امام قائم و مهدی همان ابوهاشم است که مردمان را سرپرستی خواهد کرد او غایب شده و جهت سر و سامان دادن به امور مردم باز خواهد گشت، زمین را تصاحب خواهد کرد و کسی وصی او نخواهد بود...^۵ این استدلال کاملاً نشان می‌دهد آنان تحت تاثیر روایاتی بودند که در آنها سخن از قائم و مهدی رفته بود، کسی که غایب می‌شود و با ظهورش موجب سر و سامان یافتن امور مردم خواهد شد.

حریبه

حریبه به عنوان یکی از فرقه‌های کیسانی، پیروان عبدالله بن عمرو بن حرب کندی بودند. عبدالله بن عمرو بن حرب در زمره شش نفری دانسته شده که امر امامت را از بنی هاشم خارج کرده و خود مدعی این امر بودند.^۶ منابع اشاره دارند عبدالله بن عمرو بن حرب، بر دین بیانیه بوده است.^۷ گفته شده وی مدعی بود روح خداوند از عبدالله بن محمد بن حنفیه به وی منتقل شده است و بر این وجه مدعی الوهیت خویش بود.^۸ بر اساس نقلی دیگر، وی به خدایی حضرت علی علیه السلام و فرزندانش که دارای مقام امامت‌اند، معتقد بود.^۹

حریبه همانند بسیاری از فرقه‌های کیسانی، قائل به مهدویت محمد بن حنفیه بودند. گفته شده آنها اسباط (فرزندان و اوصیاء پیامبر) را ۴ نفر می‌دانستند. سبط ایمان و امن: حضرت علی علیه السلام، سبط نور: حسن علیه السلام، سبط حجت و مصیبت: حسین علیه السلام و سبطی که اسباب دردست اوست، سوار بر ابر است بادها را حرکت می‌دهد و مدّ را به وجود می‌آورد و... و او همان مهدی موعود: محمد بن حنفیه است که نمرده بلکه در کوه رضوی است دو شیر و دو ببر از او

۱ رک: نوبختی، فرق الشیعه، ص ۳۴ و و ناشی اکبر، مسائل الامامه، ص ۱۹۸ و بغدادی، الفرق بین الفرق، ص ۲۱۴

۲ مقدسی، البدء و التاريخ، ج ۵، ص ۱۳۰

۳ رک: حاجی زاده، غالیان و شیوه‌های برخورد امامان معصوم علیهم السلام با ایشان، ص ۱۶۸ - ۱۶۹

۴ نوبختی، فرق الشیعه، ص ۳۴

۵ نوبختی، فرق الشیعه، ص ۳۳ - ۳۴، و اشعری قمی، المقالات و الفرق، ص ۳۷

۶ اشعری، مقالات الاسلامیین، ص ۱۳

۷ اسفراینی، التبصیر فی الدین، ص ۱۰۵ و بغدادی، الفرق بین الفرق، ص ۲۳۳ - ۲۳۴

۸ اسفراینی، التبصیر فی الدین، ص ۱۰۵

۹ ناشی اکبر، مسائل الإمامة، ص ۱۹۶

محافظت می‌کنند و ملائکه با او انس دارند تا وقتی که ظهور کند.^۱ تأمل در این روایت نشان می‌دهد حریبه اعتقادات غالیانه ای درباره محمد بن حنفیه داشته‌اند و در ضمن باورهای غالیانه خویش او را مهدی نیز می‌دانستند. پیش از این اشاره شد که کسانی که مدعی محمد بن حنفیه بودند، به حدیثی از رسول خدا ﷺ استناد می‌کردند که در آن به ظهور مهدی ﷺ به عنوان کسی که جهان را از عدل و داد پر خواهد کرد، اشاره کرده بود.^۲

منصوریه

ابومنصور عجل‌ی به عنوان رهبر فرقه منصوریه و فردی بادیه نشین و بی سواد،^۳ یکی از مهم ترین غالیان دوره امام باقر ﷺ بوده که به نظر می‌رسد غلو او از اواخر دوره امام باقر ﷺ تا بخشی از دوره امامت امام صادق ﷺ تداوم داشته است. وی ساکن کوفه و از سردمداران غالیان بوده است. برخی از مصادر به تاثیر پذیری او از مغیره بن سعید اشاره کرده‌اند. فخرالدین رازی می‌نویسد: منصوریه هم فکر مغیره بودند و فراتر از مغیره زنا و ولواط را جایز می‌دانستند.^۴ بر اساس نقلی ابومنصور خود را امام مستودع می‌دانست و مدعی بود تا ظهور مهدی یعنی محمد بن عبدالله بن حسن، نباید امامت را به فرد دیگری بسپارد.^۵

به نظر می‌رسد غالیان به منظور پیش برد کار خویش در کوفه، در حقیقت از جایگاه و پایگاه اجتماعی محمد بن عبدالله بن حسن - که علائمی از مهدی موعود ﷺ را با خود داشت - سوء استفاده کرده‌اند. موید این امر مطلبی است که پیش از این درباره مغیره بن سعید بیان شد.^۶

باقریه

باقریه از دیگر فرقه‌های غالی در دوران امامان ﷺ است.^۷ آنها معتقد به مهدویت امام باقر ﷺ بوده‌اند. احتمالاً هم نامی آن حضرت با حضرت مهدی ﷺ که رسول خدا ﷺ در برخی از روایات به آن اشاره دارد، در رواج این اندیشه تاثیر گذار بوده است. امام باقر ﷺ فرموده است: عده ای به خیال خام خود مرا مهدی می‌پندارند، درحالی که من به اجل خود نزدیک تر از آنم

۱ اشعری، المقالات و الفرق، ص ۲۸

۲ مفید، الفصول المختارة، ص ۲۹۷

۳ نوبختی، فرق الشیعه، ص ۳۸ و اشعری قمی، المقالات و الفرق، ص ۴۶

۴ رازی، اعتقادات فرق المسلمين والمشرکین، ص ۴۸

۵ حمیری، حور العین، ص ۱۶۹

۶ رک: ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۸، ص ۱۲۱

۷ حاجی زاده، غالیان و شیوه‌های برخورد امامان معصوم ﷺ با ایشان، ص ۱۷۵

که آنها ادعا می کنند.^۱ هم چنین وقتی حکم بن ابی نعیم از آن حضرت پرسید: آیا شما قائم آل محمد ﷺ هستید؟ حضرت فرمود: چگونه ممکن است من او باشم در حالی که من به ۴۵ سالگی رسیده ام...^۲ در توضیح این روایت باید اشاره شود که در روایتی امام علی علیه السلام به جوان بودن امام مهدی ﷺ (احتمالا در هنگام ظهور) اشاره دارد.^۳ به همین جهت امام باقر علیه السلام به منظور رد باور مهدویت خویش، به جوانی امام مهدی ﷺ اشاره دارد.

اندک تاملی در این روایات نشان می دهد برخی از یاران امام باقر علیه السلام، باور مهدویت آن حضرت را در سر داشته اند. در برخی از منابع فرقه شناختی آمده است: پس از شهادت امام باقر علیه السلام عده ای از شیعیان، امامت امام صادق علیه السلام را انکار کرده، امام باقر علیه السلام را مهدی می دانستند و قائل بودند او زنده است.^۴ این گروه با استدلالی بی اساس معتقد بودند چون جابر بن عبدالله انصاری مامور رساندن سلام از طرف رسول خدا ﷺ به امام باقر علیه السلام بوده است، آن حضرت مهدی منتظر است.^۵ شکی نیست که روایات رسیده از رسول خدا ﷺ درباره مهدی ﷺ، از علل اصلی باور به مهدویت برخی از خاندان اهل بیت علیهم السلام - خصوصا در دوران هایی که سخت گیری بر شیعیان بیشتر بوده -^۶ می شده است.

جناحیه

جناحیه، در منابع به عنوان پیروان عبدالله بن معاویه معرفی شده اند. عبدالله بن معاویه بن عبدالله بن جعفر بن ابیطالب، که منابع وی را فردی بخشنده، شجاع و شاعر دانسته اند،^۷ یکی از علویانی است که در اواخر دوره اموی با مشاهده ضعف این دولت، و با شعار «الرضا من آل محمد»^۸ دست به قیام زد. وی سرانجام در سال ۱۲۹ هجری توسط ابومسلم دستگیر و زندانی شد.^۹ و در سال ۱۳۰ یا ۱۳۱^{۱۰} هجری توسط ابومسلم به قتل رسید و یا در زندان وی از

۱ ابن عساکر، تاریخ مدینه دمشق، ج ۵۴، ص ۲۹۱ و متقی هندی، کنز العمال، ج ۱۴، ص ۳۱

۲ کلینی، کافی، ج ۱، ص ۵۳۶

۳ مفید، الارشاد، ج ۲، ص ۳۸۲

۴ اعتقادات فرق المسلمين و المشرکین، ص ۳۸ و بغدادی، الفرق بین الفرق، ص ۴۶

۵ بغدادی، الفرق بین الفرق، ص ۴۶ و اسفراینی، التبصیر فی الدین، ص ۳۲

۶ در دوره هشام بن عبدالملک ۱۰۵ تا ۱۲۵ فضایی خفقان آور برای شیعه ایجاد شد. رک: جباری، سازمان وکالت، ج ۱، ص ۶۱

۷ بلاذری، انساب الاشراف، ج ۲، ص ۶۲ و ابوالفرج اصفهانی، ص ۱۵۳

۸ ابوالفرج اصفهانی، مقاتل الطالبیین، ص ۱۵۵ و ابن اثیر، الکامل، ج ۵، ص ۳۲۷

۹ خلیفه بن خیاط، تاریخ خلیفه، ص ۲۵۵ و ابن العمرانی، الانباء فی تاریخ الخلفاء، ص ۲۵۹

۱۰ مسعودی، مروج الذهب، ج ۳، ص ۲۴۲

۱۱ ابن العمرانی، الانباء، ص ۲۵۹

دنیا رفت.^۱

منابع متقدم برخی از اعتقادات غالیانه را از زبان جناحیه (پیروان عبدالله) در مورد عبدالله مطرح کرده‌اند. ابوالحسن اشعری (م ۳۳۰) می‌نویسد: به گمان جناحیه، عبدالله بن معاویه مدعی بود: علم، در قلب او همان گونه که قارچ و گیاه از زمین سر بر می‌آورد، می‌روید، ارواح تناسخ دارند، روح خدا در وی وارد شده است.^۲ اشعری قول به الوهیت و نبوت را به خود عبدالله نسبت داده است.^۳

هر چند پذیرش غلو معاویه بن عبدالله با توجه به این نکته که صرفاً برخی از منابع اهل سنت او را غالی دانسته‌اند، دشوار است اما در این نکته شکی نیست که برخی پیروان او در زمره غالیان جای دارند.

با وجود قتل عبدالله بن معاویه در سال ۱۳۰ یا ۱۳۱ هجری^۴ عده ای از منتسبین به وی، قتل او را باور نکردند و به مهدویت او قائل شدند آنها می‌گفتند: عبدالله بن معاویه زنده است و نمی‌میرد او در کوهی از کوههای اصفهان زندگی می‌کند. آنان تصور می‌کردند وی همان مهدی موعود است که رسول خدا ﷺ آمدنش را بشارت داده است و خبر داده است که وی زمین را از عدل و داد پر خواهد کرد.^۵ توجه به این روایات کاملاً نشان می‌دهد جناحیه به عنوان یکی از فرقه‌های غالی، بر اساس روایاتی که از رسول خدا ﷺ درباره مهدی موعود بیان شده بود، مصداق مهدی امت را عبدالله بن معاویه می‌دانستند و از غیبت و مهدویت او و ظهورش در آینده سخن می‌گفتند.

ناووسیه

برخی از علماء شیعه و اهل سنت، ناووسیه^۶ را نیز از غالیان دانسته‌اند. شریف مرتضی در الفصول المختاره پس از معرفی ناووسیه به عنوان فرقه ای که معتقد بودند امام صادق علیه السلام زنده است و نمی‌میرد و او همان مهدی است که زمین را در آینده پر از عدل و داد خواهد کرد،^۷ به نقل از شیخ مفید آنها در زمره غلات آورده است.^۸ شیخ مفید در حقیقت این گروه را به

۱ ابوالفرج اصفهانی، مقاتل الطالبیین، ص ۱۵۸ و ذهبی، تاریخ الاسلام، ج ۸، ص ۱۵

۲ اشعری، مقالات الاسلامیین، ص ۶

۳ اشعری، مقالات الاسلامیین، ص ۶

۴ ابن سعد، الطبقات الکبری، ج ۵، ص ۳۹۲

۵ ناشی اکبر، مسائل الامامه، ص ۱۹۶ اشعری قمی، المقالات و الفرق، ص ۴۴؛ نوبختی، فرق الشیعه، ص ۳۵

۶ نوبختی، فرق الشیعه، ص ۶۷ و مقدسی، البدء و التاريخ، ج ۵، ص ۱۲۹ و طبرسی، اعلام الوری، ص ۲۹۵

۷ سید مرتضی، الفصول المختاره، ص ۳۰۵ و نوبختی، فرق الشیعه، ص ۶۷

۸ سید مرتضی، الفصول المختاره، ص ۳۰۷

منکران شهادت علی علیه السلام و به مفوضه که منکر شهادت امام حسین علیه السلام شده‌اند، تشبیه کرده است. سمعانی نیز در الانساب آنان را از غالیان دانسته است.^۱ ناووسیه در توجیه عقیده خود به احادیثی از امام صادق علیه السلام تمسک می‌کردند. در یکی از این احادیث که عنبسه بن مصعب از امام صادق علیه السلام نقل کرده - و سید مرتضی ضمن نقل آن در چند سطر بعد آن را رد کرده - آمده است: «اگر کسی برای شما خبر آورد که مرا غسل داده و کفن و دفن کرده سخنش را نپذیرید.»^۲ و بر اساس روایت دیگری آن حضرت فرموده است: «اگر مشاهده کردید سر من از بالای کوه غلطان به سوی شما در حرکت است باور نکنید چرا که من صاحب شما هستم.»^۳ این گونه احادیث که احتمالاً توسط برخی از منحرفان و غالیان ساخته شده‌اند، بر این امر دلالت دارند که حضرت صادق علیه السلام از دنیا نخواهد رفت او غایب شده و در آینده به عنوان صاحب اختیار شیعه (مهدی موعود) ظهور خواهد کرد.

نتیجه‌گیری

در دوره امامان علیهم السلام شاهد حضور گسترده جریان‌های غالی در میان مسلمانان هستیم. برخی از غلات در این دوره با سوء استفاده از احادیثی که از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و یا امامان علیهم السلام بیان شده بود، مهدویت رهبران خویش را مطرح کرده‌اند. آنان عمدتاً پس از مرگ رهبران خویش، مرگ آنان را نپذیرفته و در پاسخ به سوال از کجایی وی، به غیبت او اشاره کرده‌اند. چنین ادعاهایی علاوه بر این که به نحوی به صدور قطعی روایات مهدویت از سوی رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و سایر پیشوایان دینی اشاره دارد، نشان می‌دهد این باور در مواردی موجبات سوء استفاده برخی از منحرفان را فراهم ساخته است. بدون شک اعتقاد به غیبت و مهدویت رهبران غلات، با سوء استفاده از سخنان فراوان و یا به تعبیری پیش‌گویی‌هایی بوده که از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و سایر پیشوایان دینی نقل شده بود و روایات این پیشگویی‌ها به نحو گسترده‌ای در میان مسلمانان رواج داشته است.

۱ سمعانی، الانساب، ج ۱۳، ص ۱۹

۲ سید مرتضی، الفصول المختاره، ص ۳۰۵ نوبختی، فرق الشیعة، ص ۶۷

۳ نوبختی، فرق الشیعة، ص ۶۷

منابع

- ابن ابی الحديد، شرح نهج البلاغه، تحقيق محمد ابوالفضل ابراهيم، بی جا، دار الكتب العربيه، ۱۳۷۸ ق.
- ابن ابی الدنيا، مقتل الامام امير المومنين على بن ابيطالب، قم، مجمع احياء الثقافه الاسلاميه، بی تا.
- ابن اثير، عزالدين، الكامل، بيروت، دار صادر، ۱۳۸۵ ق.
- ابن سعد، محمد، الطبقات الكبرى، بيروت، دار الكتب العلميه، ۱۴۱۰ ق.
- ابن رسته، احمد بن عمر، الأعلاق النفيسه، بيروت، دار صادر، ۱۸۹۲ م. چ اول.
- ابن العمراني، الانباء في تاريخ الخلفاء، قاهره، دار الآفاق العربيه، ۱۴۲۱، اول.
- ابن عساكر، على بن حسن، تاريخ مدينه دمشق، بيروت، دار الفكر، ۱۴۱۵ ق.
- ابن منظور، محمد بن مكرم، لسان العرب، بيروت، داراحياء التراث العربی، ۱۴۰۵ ق، اول.
- ابوالفرج اصفهانی، الاغانی، بيروت، دار احياء التراث العربی، ۱۴۱۵، اول.
- ابوالفرج اصفهانی، مقاتل الطالبیین، بيروت، دار المعرفه، بی تا.
- اسفراينی، ابوالمظفر طاهر بن محمد، التبصير في الدين، قاهره، المكتب الازهر للتراث، بی تا، چ اول.
- اشعری، ابوالحسن، مقالات الاسلاميين، آلمان، فراينس شتاينر، ۱۴۰۰ ق، چ سوم.
- اشعری قمی، سعد بن عبدالله، المقالات و الفرق، بی جا، علمی و فرهنگي، ۱۳۶۰ ش، چ دوم.
- اصبهانی، حافظ، ذکر اخبار اصبهان، لیدن، ۱۹۴۳.
- اندلسی، ابن عبد ربه، العقد الفريد، بيروت، دار الكتب العلميه، ۱۴۰۴ ق، چ اول.
- بغدادی، عبدالقاهر، الفرق بين الفرق، بيروت، دار الجيل، ۱۴۰۸.
- بغدادی، محمد بن حبيب، المحبر، بيروت، دار الآفاق الجديده، بی تا.
- بلاذری، احمد بن يحيى، انساب الاشراف، بيروت، مؤسسة الأعلمی للمطبوعات، ۱۳۹۴، چ اول.
- پیشوایی، مهدی، سيره پیشوایان، قم، موسسه تحقیقاتی امام صادق علیه السلام، ۱۳۷۶، پنجم.
- جاحظ، عمرو بن بحر، البيان و التبیین، بيروت، دارمصعب، ۱۹۶۸ م.
- جباري، محمد رضا، سازمان وکالت، قم، موسسه امام خمینی، ۱۳۸۲.
- جعفریان، رسول، حیات فکری و سیاسی امامان شیعه علیهم السلام، قم، انصاریان، ۱۳۸۱.
- حاجی زاده، یدالله، غالیان و شیوه های برخورد امامان معصوم علیهم السلام با ایشان، قم، نشر معارف،

- ۱۳۹۴، اول.
- حسین زاده شانه چی، حسن، اوضاع سیاسی، اجتماعی و فرهنگی شیعه در غیبت صغری، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۶، اول.
 - حمیری، ابوسعید بن نشوان، الحور العین، بی نا، تهران، ۱۹۷۲ م.
 - دینوری، ابن قتیبہ، المعارف، قاهره، دارالمعارف، بی تا.
 - ذہبی، شمس الدین محمد بن احمد، تاریخ الاسلام، بیروت، دارالکتب العربی، ۱۴۱۳ ق، چ دوم.
 - رازی، فخرالدین، اعتقادات فرق المسلمین و المشرکین، قاهره مکتبه مدبولی، ۱۴۱۳ ق، چ اول.
 - زبیدی، محمد مرتضی، تاج العروس، بیروت، المکتبه الحیاء، بی تا.
 - سمعانی، عبدالکریم، الانساب، حیدرآباد، مجلس دائره المعارف العثمانیه، ۱۳۸۲ ق، چ اول.
 - شهرستانی، محمد بن عبدالکریم، الملل و النحل، قم، شریف رضی، ۱۳۶۴، چ سوم.
 - صادقی، مصطفی، تحلیل تاریخی نشانه‌های ظهور، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۹، سوم.
 - صدر، سید محمد، تاریخ الغیبه، بیروت، دارالتعارف، ۱۴۱۲.
 - صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر، قم، دفتر مولف، بی تا.
 - صدوق، محمد بن علی بن بابویه، کمال الدین و تمام النعمه، تحقیق علی اکبر غفاری، قم، جامعه مدرسین، ۱۴۰۵ ق.
 - صفری فروشانی، نعمت الله، غالیان کاوشی در جریان‌ها و برآیندها، مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی ۱۳۸۸ ش، چ دوم.
 - صفری فروشانی، نعمت الله، مقاله «غلو» دانشنامه امام علی علیه السلام تهران، سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۲، دوم.
 - طبرسی، فضل بن حسن، اعلام الوری، قم، آل البيت، ۱۴۱۷.
 - طریحی، فخرالدین بن محمد، مجمع البحرین، تهران، مرتضوی، ۱۳۷۵، چ سوم.
 - طوسی، خواجه نصیرالدین، الرسائل، بیروت، دارالاضواء، ۱۴۰۵، دوم.
 - طوسی، محمد بن حسن، اختیار معرفة الرجال (رجال کشی)، مشهد، دانشگاه مشهد، ۱۳۴۸ ش.
 - طوسی، محمد بن حسن، الغیبه، قم، دارالمعارف الاسلامیه، ۱۴۱۱.

- عاملی، علی بن یونس، الصراط المستقیم، بی جا، المكتبة المرتضویه، بی تا.
- عسکری، سید مرتضی، الاسطوره السبئیة، قم، المجمع الجهانی لاهل البيت، ۱۴۳۰، دوم.
- عمرانی، محمد بن علی بن محمد، الانباء فی تاریخ الخلفاء، قاهره، دار الآفاق العربیة، ۱۴۲۱ ق، چ اول.
- فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، قم، دارالهجره، ۱۴۰۹ ق، چ دوم.
- متقی هندی، علی بن حسام الدین، کنز العمال، بیروت، مؤسسة الرساله، ۱۴۰۹ ق.
- مغربی، قاضی نعمان، دعائم الاسلام، قاهره، دار المعارف، ۱۳۸۳ ق.
- قندوزی، ینابیع الموده لذوی القربی، بی جا، دار الاسوه، ۱۴۱۶، اول.
- کلینی، محمد بن یعقوب، کافی، تهران، اسلامیه، ۱۳۶۲ ش.
- کلبی، هشام بن محمد بن سائب، مثالب العرب، بیروت، دارالهدی، ۱۹۹۸ م.
- مجهول، اخبار الدولة العباسیة، بیروت، دارالطلیعه للطباعة والنشر، ۱۹۷۱.
- محرمی، غلامحسن، نگرشی تاریخی بر حیات امام زمان علیه السلام، قم، پرتو ولایت، ۱۳۸۹، اول.
- محمد ابو زهره، تاریخ مذاهب اسلامی، ترجمه علیرضا ایمانی، قم، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، ۱۳۸۴ ش، چ اول.
- مسعودی، علی بن حسین، التنبیه والإشراف، قاهره، دار الصاوی، بی تا.
- مسعودی، علی بن حسین، مروج الذهب، قم، دار الهجره، ۱۴۰۹، دوم.
- مفید، محمد بن محمد بن نعمان، الإرشاد، قم، کنگره شیخ مفید، ۱۴۱۳ ق.
- مفید، محمد بن محمد بن نعمان، تصحیح اعتقادات الامامیه، بیروت، دار المفید، ۱۴۱۴ ق، چ دوم.
- مفید، محمد بن محمد بن نعمان، الفصول العشره فی الغیبه، قم، کنگره شیخ مفید، ۱۴۱۳ ق، چ اول.
- مقدسی، مطهر بن طاهر، البدء و التاریخ، بور سعید، مكتبة الثقافة الدینیة، بی تا.
- مکارم شیرازی، ناصر، حکومت جهانی مهدی، قم، نسل جوان، ۱۳۸۶، پنجم.
- موسوی، علی بن حسین (سید مرتضی)، الفصول المختاره، بیروت، دار المفید، ۱۴۱۴ ق، چ دوم.
- ناشی اکبر، مسائل الامامه، قم، مرکز مطالعات ادیان و مذاهب، ۱۳۸۶ ش، چ اول.
- نجاشی، احمد بن علی، رجال النجاشی، قم، جامعه مدرسیین، ۱۴۰۷.
- نعمانی، محمد بن ابراهیم، الغیبة للنعمانی، تهران، صدوق، ۱۳۹۷.

- نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعة، بیروت، دارالاضواء ۱۴۰۴، چ دوم.
- حاجی زاده، یدالله و دیگران، ریشه‌های و علل پیدایش غلو در عصر ائمه علیهم‌السلام، فصلنامه علمی پژوهشی تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، سال چهارم، پاییز ۱۳۹۲، شماره ۱۲، ص ۱۰۹-۱۳۶
- حسن زاده، صالح، قیام امام مهدی در قرآن و اخبار، فصلنامه زبان و ادب، زمستان ۱۳۷۷، شماره ۶، ص ۶۷-۸۸
- غلام محمد، فخرالدین، حضرت مهدی در روایات معتبر فریقین (حدیث اثنی عشر و نسب‌شناسی مهدوی)، اندیشه تقریب، تابستان ۱۳۸۹، شماره ۲۳، ص ۱۷-۴۰

